بسم الله الرحمن الرحیم

**وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ ۗ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ ۖ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ۖ وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ**

]یهودیان بر ضد پیامبر اسلام به سفسطه گری پرداختند چون] آنان خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، چرا که گفتند: خدا بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده. بگو: کتابی را که موسی آورده چه کسی نازل کرده؟ کتابی که برای مردمْ هدایت است، شما آن را در طومارهای پراکنده قرار می دهید، بخشی از آن را [که دلخواه شماست برای مردم] آشکار می کنید و بسیاری از آن را [که گواه نبوّت پیامبر اسلام است] پنهان می دارید و حال آنکه حقایقی که نه شما می دانستید و نه پدرانتان [به وسیله تورات] به شما آموخته شد. بگو: خدا، سپس آنان را رها کن تا در باطل گویی و خرافاتشان بازی کنند.

سوره ی مبارکه ی انعام. آیه ی 91

حادثه ای که روزهای اخیر در پاریس رخ داد که طی آن دو نفر به دفتر نشریه ی "شارلی ابدو" حمله بردند و به تبع آن ماجرای گروگان گیری در یک فروشگاه کوشر که با درخواست آزادی این دو نفر پیش آمد و پس از تبادل آتش میان پلیس و گروگان گیران، به کشته شدن دو نفر از شهروندان فرانسوی ختم شد را می توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد، که به تفصیل در ذیل می آید:

1. ریچارد کلارک، مسئول کمیته ی ضد تروریسم آمریکا در دولت ریگان، بوش و کلینتون، در کتاب "مبارزه علیه تمامی دشمنان"، به توضیح شکل گیری گروه القاعده و حوادث منجر به یازدهم سپتامبر 2001 پرداخته است. او در این کتاب تصریح کرده است که آمریکا برای مقابله با اتّحاد جماهیر شوروی و همچنین کاهش هزینه های عملیاتی، با پشتیبانی مالی سعودی ها عدّه ای را در داخل و خارج از افغانستان آموزش داد و با سلاح های نسبتا پیشرفته ی وقت (نظیر موشک استینگر) آن ها را مجهز کرد تا دشمن شماره ی یک خود، یعنی نظام کمونیستی شوروی را شکست دهد و آن ها را از تسلط بر افغانستان بازدارد. او به روشنی توضیح داده است که اهمیت و اولویت این عملیات به اندازه ای بوده است که هیچ برنامه ی مدوّنی برای کنترل این نیروها درصورت شکست شوروی و خروج ارتش سرخ از افغانستان نداشته اند. اینست که این گروه ها، تحت تاثیر تفکّرات وهابی سعودی و با حمایت مالی آن ها و همچنین آموزش آمریکایی ها، بر افغانستان تسلط نسبی پیدا کردند و برای ایجاد فرصت بیشتر برای طرح اندیشه های افراطی خود و همچنین جلب محبوبیت میان عامّه ی مسلمانان جهان به آمریکا حمله کردند. این اشتباه آمریکا در جولان دادن به گروه تروریستی القاعده و عدم مهار به موقع آن ها، به زعم مسئول وقت کمیته ی ضد تروریسم آمریکا، از فاحش ترین خطاهای راهبردی در تاریخ آمریکا بوده است.

داستان تشکیل داعش نیز سخت مشابه القاعده است. آمریکا برای انهدام نظام بشار اسد و با پشتیبانی سعودی ها و قطری ها، تحت تفکرات وهابی و سلفی، اقدام به جذب نیرو نمود تا تلفات و هزینه ی آمریکایی ها در براندازی نظام سوریه به حداقل ممکن برسد. تا آنجا که از دزدان، قاتلان، و زندانیان کشورهای منطقه برای تشکیل به اصطلاح نیروهای مقاومت مردمی سوریه!، که امروز به داعش موسوم است، استمداد جست. داعش، این فرزند شوم تروریست های منطقه نیز بلافاصله پس از تسلط نسبی بر بخش های مهمّی از سوریه، برای کسب شهرت و قدرت بیشتر به عراق لشکر کشید و در سکوت معنادار دولت های غربی و خیانت سوال برانگیز نیروهای امنیتی عراق، بخش های قابل توجهی از مناطق عمدتا سنی نشین عراق را گرفت.

همان زمان مقام معظم رهبری پیش بینی کردند که "گروههای تکفیر بلای جان کشورهای حامی خود خواهند شد". حوادث پاریس، به روشنی شاهد صدق تفسیر ایشان از قضایای منطقه است. چرا که جریان تکفیری دست پرورده ی نفاق است و منافق بذات خائن است، حتی به حامیان دیروزش ...

این میان سخن نماینده ی سوریه در سازمان ملل نیز این روزها قابل تامل است که رسانه های دنیا و دولتمردان غربی را به سخره گرفته بود، با طرح این مسئله که حالا که کار این گروه ها به قتل مردم فرانسه رسیده است آن ها را تروریست می دانید، در حالیکه دیروز که مردم سوریه را با سلاح شما قتل عام می کردند، آن ها را نیروهای مقاومت ملّی سوریه می خواندید.

1. وجهه ی دیگر این مسئله فرصت یافتن گروه های اسلام ستیز در اروپا است تا برپایی تظاهرات ضد اسلامی، احساسات عمومی را در راستای اعمال خشونت هرچه بیشتر علیه مسلمانان تحریک نماید. تجمع گروه های ضد اسلامی در پاریس و همچنین کمپین PEDIGA در درسدن آلمان، نمونه ی این تجمعات خصمانه و فریبکارانه است که اکثرا با حمایت و پشتیبانی حکومتی همراه است.

حتی اگر زاویه ی مختصات قوانین غربی به این موضوع بنگریم، تناقضی واضح و شرم آور در برپایی این تجمعات وجود دارد که از دید آزاد اندیشان و متفکران مغفول نخواهد ماند. آن ها کمپین های "اسلام ستیزی (آنتی اسلامیزم)" را برای همدردی با یهودیان و نفی جریان "یهودی ستیزی (آنتی سمیتیزم)" علم کرده اند!! آن ها تمام مسلمین را تحت فشار می گذارند به خاطر جنایاتی که گروه های به ظاهر اسلامی دست پروده ی غربی ها مرتکب شده اند، و از سوی دیگر با یهودیان و علی الخصوص اسرائیل ابراز همدردی می کنند علی رغم جنایات شرم آوری که تروریسم حکومتی اسرائیل مرتکب آن می شود.

این ادّعا هم که این تظاهرات برای دفاع از آزادی بیان است دروغی آشکار و رسوا است. استدلال آن ها اینست که مطابق اندیشه ی لیبرال غربی، توهین به خداوند (Blasphemy) نعوذ بالله و پیامبر اکرم صلوات الله علیه نیز با وجود اینکه احساسات مسلمانان را علی حدّه جریحه دار می کند بایستی آزاد باشد، با این حال چرا نقد مسائلی چون هولوکاست آزاد نمی باشد؟ مگر نه اینست که دلیل می آورند که احساسات یهودیان را جریحه دار می کند؟ چطور نقد مسئله ی ساده و بی ضرری چون واقعه ی تاریخی هولوکاست بایستی به حبس ابد و مجازات های غیرقابل باور بینجامد، ولی توهین به مقدس ترین اعتقادات مسلمانان به زعم آن ها باید با "آزادی بیان" همراه باشد؟

برخورد با دیودونه، طنزپرداز مشهور فرانسوی به اتهام برانگیختن خشم عمومی! نمونه ی دیگری از ملاک های دوگانه در مفهوم آزادی بیان در فرانسه است. هرجا که پای انتقاد به یهودیان به میان آید، محدودیت های آزادی بیان را برای ملّت توضیح می دهند و آنجا که به توحش قلم عدّه ای علیه مسلمین می رسند، آزادی را بهانه می کنند. کم نیستند نمونه های این ملاک های دوگانه در آزادی بیان. در حالیکه شارلی ابدو به عنوان هفته نامه ی نترس فرانسوی ها مورد تحسین قرار می گیرد، کسی اشاره به این موضوع نمی کند که در سال 2009 این مجلّه یکی از مشهورترین کاریکاتوریست های خود، موریس سینت را اخراج کرده بود چرا که درباره ژان پسر نیکلا سارکوزی گفته بود که "او عمر و زندگی طولانی در پیش دارد چرا که او با یک یهودی ازدواج می‌کند". ذکر این نمونه ها در سال های اخیر، از شمارش خارج است.

1. تصویر نخست وزیر رژیم منحوس اسرائیل در صف اوّل راهپیمایی ضد تروریسم پاریس هم از آن طنزهای شرم آور روزگار ماست. بی شک تحمّل این فریب برای هر انسانی که اندک بهره ای از انصاف برده باشد، سخت و طاقت فرساست.

تروریسم حکومتی ِ رژیم ِ جعلی صهیونیستی که خود خبر از نطفه ی شوم خویش دارد، با در دست گرفتن جریان رسانه ای دنیا تلاش می کند تا پلیدی را از چهره ی شوم خویش مخفی کند. گزارشاتی که اخیرا در ویکی لیکس منتشر شد، حکایت از ستاد ویژه ای در موساد دارد تا طوری جریان رسانه ای جهانی را تنظیم کند که جنایات رژیم صهونیستی کمترین انعکاس خبری را نیز نیابد. آن ها حتی از اشباع فضای خبری حاصل از مرگ هنرپیشه ها و خوانندگان گرفته تا سقوط هواپیمای مسافربری و جام جهانی فوتبال، استفاده می کنند تا جنایت تازه ای را مخفیانه و به دور از چشم رسانه های ساختگی دنیا انجام دهند.

این میان رابطه ی سه گانه ی رسانه، قدرت و افکار عمومی قابل تامل است. آنچه امروز افکار عمومی دنیا را خط می دهد رسانه ها هستند. رسانه هایی که اکثر تحت سیطره ی قدرت های استکباری و لابی های پرنفوذ صهیونیستی قرار دارند، اجازه ی طرح افکار خارج از چارچوب های خود را نمی دهند. اینکه یهودیان در پاریس و درسدن و سایر شهرهای اروپا، می توانند ظرف مدّت کوتاهی با تحریک عواطف عمومی راهپیمایی های وسیعی ترتیب دهند نشان از سیطره ی باطل بر افکار عمومی است. صدها جنایت آشکار رژیم غاصب اسرائیل را ببینند و دم برنیاورند، در حالیکه با مرگ دو روزنامه نگاری که به اعتقادات مسلمانان توهین کرده اند چنین بلوایی کنند! این جز چیرگی باطل و تیرگی دل های غافل چه تعبیری به دست می دهد؟

1. با تمام این اوصاف رشد اسلام گرایی در سال های اخیر در کشورهای غربی، خصوصا فرانسه و انگلستان، پدیده ای غیرقابل انکار است که تمامی آمارها بر آن گواهی می دهند. بنابر آمار رسمی دولت بریتانیا، در سال گذشته بیشتر نوزادان متولد این کشور "محمّد" نام گذاری شده اند. دولت های غربی برای مهار این قضیه، علاوه بر اعمال محدودیت های بیشتر در سیستم های مهاجرت، برای ترویج اندیشه های سکولار در قالب اسلام هزینه کرده اند تا دست کم از

کنش سیاسی مستقیم این پدیده تا مدّتی در امان باشند.

بروز اندیشه های افراطی در قالب اسلام، نظیر آنچه در پاریس رخ داد، نشانگر شکست جریان چپ مسلمان سکولار نیز می تواند باشد. این نکته ای است که اسلاوی ژیژک، فیلسوف و جامعه شناس مشهور اسلواکی نیز در روزهای اخیر بدان اشاره کرده است. اسلام در اساس خود، حامل پیام های جدی در مواجهه با مسائل سیاسی و اجتماعی است و پیروانش را به یک کنش پویا در مقابل مسائل اجتماعی می خواند. به نظر اکثر اندیشمندان اسلامی، یکی از وجوه قرآن کریم برنامه ای برای حکومت پیامبر اسلام است و حکومت عدل ِ سیاست و تمام معنای سیاست است. لهذا اسلام سکولار با خلاً ایدئولوژیک در تفسیر فرامین سیاسی اجتماعی اسلام مواجه می باشد. لذا جمعیت رو به رشد مسلمین در اروپا، وقتی با این خلاً ایدئولوژیک روبرو می شوند، و در حالی که مروّجان اسلام ناب محمّدی تحریم شده اند، این جمعیت ممکن است به ناچار به اندیشه ی سیاسی ِ بی مایه ی گروه های سلفی و وهابی روی آورند. وقتی جمهوری اسلامی ایران که پرچمدار راستین اسلام ناب محمّدی است با توانمندی بالای علوم دینی خود، مجال طرح اندیشه های روح افزا خود را در تریبون های اروپایی نمی یابد، وقتی نماد عقاید راستین شیعیان قمه و خون می شود و شیعه ی پوشالی لندنی سخنگوی اعتقادات شیعه در غرب معرفی می شود که نزاهت تاریخی شیعه در همکاری با حکّام جور را در دوری جستن از سیاست تبلیغ می کند، و وقتی علمای منصف اهل سنت از صحنه ی سیاست طرد می شوند، شیخ قرضاوی ها و سایر مفتی های سطحی سلفی مرجع یافتن مصادیق اجتماعی ایدئولوژی اسلامی می شوند و فجایعی نظیر حادثه ی پاریس رخ می دهد.

1. یکی دیگر از موضوعات قابل ذکر در این رابطه، تفرق گسترده ی نظرات و فتاوی علمای جهان اسلام در مورد توهین به پیامبر اسلام در بلاد غیرمسلمین و وظیفه ی یک مسلمان ساکن غرب در قبال آن است. حتی در تفسیر "سبّ نبی" و تعیین مصادیق آن افتراق بسیار فتاوی وجود دارد که این خود عرصه را بر ظهور اندیشه های افراطی باز می گذارد. لهذا به نظر می رسد برای تقریب نظرات فقهی علمای اسلام در این خصوص و وحدت رویّه مسلمین، و با درنظر گرفتن شرایط حاکم بر غرب، سعی بر تفسیر جامع و مانعی بر این قضیه شود تا حداقل از اختلاف آراء موجود در میان مسلمین کاسته شود و مجالی برای اندیشه های افراطی نماند.

در همین راستا دولت های اسلامی می توانند با اتخاد موضعی واحد، افرادی که به مقدّسات اسلامی توهین می کنند را مورد تحریم قرار دهند و دولت های متبوع آن ها را مورد فشار دیپلماتیک قرار دهند.

1. بعضی اسناد حکایت از دست داشتن احتمالی سازمان جاسوسی سیا و موساد در حادثه ی پاریس دارد. بعید نیست که این حادثه طرحی برای بازسازی چهره ی رژیم بی آبروی صهیونیستی و مظلوم نمایش دادن این رژیم باشد تا مهاجرت معکوس در سرزمین های اشغالی را متوقف کند. یا حتی این طرح می تواند بخشی از نقشه ی شوم حمله به کشور سوریه باشد، مطابق آنچه در یازدهم سپتامبر و حمله به کشور عراق رخ داد. لذا لازم است مسلمین با وحدت رویّه و تاسی به رسول اکرم صلوات الله علیه، بیش از پیش هشیار باشند و به تفرقه و اختلاف دامن نزنند.

اتحادیّه ی انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا ضمن محکوم کردن توهین به پیامبر عظیم الشان اسلام و همچنین جریان های اسلام ستیز و جنبش پگیدا، از هرگونه عملیات تروریستی در هر لباسی اعلام انزجار می نماید و به پیروزی اسلام ناب محمّدی در سایه ی صبر و عطوفت رجاء واثق دارد. آن شه موزون جهان، عاشق موزون طلبد.

و السلام علیکم و رحمه الله

اتحادیه ی انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا

بیست و دوم دی یکهزار و سیصد و نود و سه